مخالفت علماء از قرن یازدهم با اجماع علماء سابق بر منشأ وحیانی قرائات

ببینید در کافی شریف دو حدیث است که این حدیث سرلوحه فرمایشات علماء است. از قرن یازدهم به این طرف هم هر کتابی را که ببینید، در در قول قبلی اینها را میآورند. در مقدمه مجمع البیان و مقدمه تبیان اشارهای به آن بود که قبلاً صحبتش را کردیم. آن بحث خاص خودش را دارد. اما اینکه یک عالم شیعی در مقام رد بر عالم شیعی دیگر آن را بیاورد تا قرن یازدهم نبوده است؛ مقدمه مجمع و تبیان یک نحو جواب دادن از عامه است. مقابل عامه میگویید که ما این روایات را داریم. اما از قرن یازدهم به این طرف -ما قبل از آن پیدا نکردیم- اول کتابی که پیدا کردیم از مرحوم سید نعمت الله جزائری بود و بعد شارح وافیه و همینطور در کتابهای بعدی آمده است؛ الآن هم که به وفور آورده می شود گویا واضح شده که این دو روایت در کافی شریف آمده و بر این دو روایت استدلال میشود که قرآن حرف واحد است.
عرض کنم از قرن یازدهم علماء شیعه بر علیه علماء شیعه به این روایت استشهاد کردهاند. خیلی فرق است. قبل از آن اصلاً نداریم که عالم شیعی علیه عالم شیعی به این دو استدلال کند. در مفاتیح الاصول آسد محمد طباطبائی -سید مجاهد-، در شرح وافیه سید صدر الدین، در کتاب مرحوم سید نعمت الله -منبع الحیات- و...؛ در این کتابها چه گفته اند؟ مقابل خودشان را میگویند:

> و اما الثاني فقد خالف فيه الجمهور و معظم المجتهدين من أصحابنا فإنهم حكموا بتواتر القراءات
> السبع و بجواز القراءة بكل واحدة منها في الصلاة و قالوا ان الكل مما نزل به
> الروح الأمين على قلب سيد المرسلين (ص)[1]

بعد مثل سید نعمة الله و دیگرانی که بعد از سید آمدند جواب می دهند و حرف جمهور مجتهدین من اصحابنا را رد می کنند. خب وقتی آدم به این جا می رسد می بیند که قابل تامل شد. قابل فکر شد. جمهور مجتهدین شیعه هستند، یعنی کافی را ندیده بودند؟! در طول قرون در بین خود علماء شیعه یکی از آن ها به این روایت کافی استدلال نکرده اند. از قرن یازدهم به بعد می بینیم که شروع شد. ای در قرن دهم میبینیم که زمزمه آن فراوان شد و بعد هم در زمان الآن میبینیم که چه شده.

پس طرف ما در استدلال به این روایت کافی، جمهور المجتهدین من اصحابنا هستند. مکرر عرض کردم؛ تذکر است؛ در زمان ما کتابی که در این فن نوشته میشود نسبت به فرمایش مثل شهید ثانی چه می گوید! ؛ شرح حال شهید ثانی را ببینید، خودشان فرمودند که من دوبار بهطور کامل قرائات سبعه را استاد دیدم. نزد استاد کلمه به کلمه فراگرفتم. هم می خواندم و هم او می خواند. استماع. دو دوره کامل قرائات سبعه را دیدم. بعد شروع به قرائات عشر کردم و تا سوره مائده

رسیدم و دیگر نشد که ادامه بدهم. مثلاً مجال نشده و استاد نبوده.

مثل این شهیدی که خودشان در شرح حال خودشان اینگونه نوشته اند، بعد میبینیم در زمان ما کتابی میآید و میگوید «هفوة من عظیم». این عظیم چه کسی است که هفوه دارد؟ شهید ثانی است. هفوه ایشان چیست؟ در مقاصد العلیه میفرمایند:

> ان كل من القراءات السبع، من عند اللّٰه تعالى، نزل به الروح الاميين على قلب سيد المرسلين صلّى اللّٰه عليه و آله تخفيفا على الامة و تهوينا على اهل هذه الملة**[2]**

«ان كل من القراءات السبع»؛ مثل «سلام علی آل یاسین» که از نافع که از قراء سبع است روایت شده و «سلام علی الیاسین» که در قراءات سبع آمده ،هر دو «من عند اللّٰه تعالى، نزل به الروح الاميين على قلب سيد المرسلين صلّى اللّٰه عليه و آله»؛ یعنی جبرئیل امین هم« آل یاسین» را آورده و هم «الیاسین» را آورده است. بعد ایشان میگویند: «هفوة من عظیم»! این چه حرفی است؟! بعد میگوید شهید ثانی شاید اوائل جوانی بوده که مقاصد العلیه را نوشته اند و بعداً توبه کرده اند و برگشتند! ما مفصل مباحثه کردیم و از تمام کتب شهید شاهد آوردم؛ روض الجنان، مسائل و... شاهد آوردم. فایل های آن هم هست. اگر پیداه شود که به مکتوب آن هم مراجعه میفرمایید. یعنی شهید در کتب دیگرشان هم گفته اند. در هیچ کتاب دیگرشان از این برنگشتند بلکه شما تنها کتاب مقاصد العلیه را میآورید و میگویید «هفوة من عظیم». او که «هفوه» نکرده بلکه در بخش مهمی از عمر خود قرائات سبعه را دوبار تعلم دیده. یک بار در بخشی از قرآن کریم روایات عشر را دیده. ابن جزری از شهید اول تعبیری به «وهو إمام في الفقه والنحو والقراءة» کرد.شهید اول هنگامه است! بزرگان اهلسنت او را بهعنوان امامٌ في القراءه ذکر میکنند. چنین جلیل القدری –شهید اول- ببینید چه می فرماید. شیخ در رسائل و مکاسب کلام ایشان را نقل کردهاند؛ علامه حلی که با واسطه استادشان بودند فرمودند هفت قرائت متواتر است و ثبوتا قرآن است. شهید گفتند چرا میگویید هفت تا؟! بلکه روایات عشر متواتر است. لذا در رسائل نقل تواتر را به شهید اول نسبت دادهاند. خب چنین بزرگانی بودند و یک دفعه چنین عباراتی مقابل ما سر در میآورد که باید آنها را چه کار کنیم؟!

---

[1]منبع الحياة و حجية قول المجتهد من الأموات،ص ۷۱

[2] المقاصد العلية في شرح الرسالة الألفية، ج ۱ ص ۲۴۵

بازبینی #5
ایجاد شده 11 مارس 2024 17:18:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 15:23:25 توسط ... .